

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال سوم، شماره نهم، پاییز ۱۳۹۰

صفحات: ۱۰۹ - ۹۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۷/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۹

زن و مشارکت سیاسی

محمد رضا علم*

منا حمیدی نسب**

سمیره حزباوی**

چکیده

مشارکت سیاسی یا عدم مشارکت سیاسی به عنوان یکی از معیارهای سنجش میزان توسعه یافتگی سیاسی جوامع در سطوح مختلف همواره از سوی پژوهشگران متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. مشارکت سیاسی زنان در ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی به شیوه‌های مختلف صورت پذیرفته است که نقش قابل توجهی در سیر تحولات تاریخی ایران داشت. زنان در ایران بین دو انقلاب مذکور، با توجه به بسیاری از موانع برخاسته از جامعه، سنت، فرهنگ و... از جایگاه والایی در ارتقاء پارامتر مشارکت سیاسی نسبت به تحولات تاریخی برخوردار بوده‌اند و برای تاثیرگذاری بر سرنوشت سیاسی جامعه خویش به شیوه‌های گوناگون در جهت ایفای نقش سیاسی اجتماعی پرداختند.

کلید واژگان: زنان، مشارکت سیاسی، انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی.

* دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشیار گروه تاریخ، اهواز، ایران (نویسنده مسئول - maalam.36@yahoo.com)

** دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات خوزستان، دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی، اهواز، ایران.

با بررسی ماهیت فعالیت نیروهای گوناگون در ادوار مختلف زمانی، از دوران مشروطیت و دستاورد آن (متمم قانون اساسی مجلس شورای ملی) و همچنین حاکمیت سلسله پهلوی، آنچه را می توان برداشت کرد که این است که در هیچ برهه از تاریخ نمی توان جای خالی مشارکت سیاسی را احساس کرد و همواره به اشکال مختلف و در ساختارهای گوناگون شکل گرفته است. وجود عنصر نیروی مبارز و اپوزیسیون به عنوان شاخصی پیچیده و پایدار در هر برهه از زمان، نشان از پویایی آن در عرصه سیاست و در جهان کنونی است. تحولات سیاسی و اجتماعی حیطه گسترده ای از مشارکت سیاسی زنان را در ادوار مختلف تاریخی در برمی گیرد. عدم توجه به نقش سیاسی اجتماعی زنان در فرآیند تحولات جامعه ایرانی، خلل عظیمی بر مطالعات تاریخی ایران وارد می کند. از آنجا که زنان به عنوان عضو تکمیل کننده روند مبارزات سیاسی - اجتماعی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی به اشکال گوناگون مشارکت داشته اند، متأسفانه نقش آنان همواره در حاشیه متن انگاشته شده است. در تحولات تاریخی - سیاسی جامعه ایران از جمله انقلاب مشروطه، جنبش تنباکو، واقعه مسجد گوهرشاد،... و انقلاب اسلامی زنان نقش موثری را ایفا نموده اند که چگونگی این امر را در شاخص های؛ جایگاه زنان در کرسی های سیاست، زنان، ادبیات و تشکلهای سیاسی - اجتماعی، مشارکت سیاسی - مبارزات نظامی می توان مورد بررسی قرار داد.

اگر چه محدودیت ها و معذوریت های جامعه ایران و فرهنگ سنتی غالب بر حضور زن در عرصه سیاست و اجتماع، همواره چارچوب خاصی از فعالیت زنان را موجب می شد - چنانچه کاسته شدن از این موانع به اعمال مشارکت سیاسی زنان در معنای گسترده تر آن گشته و توسعه سیاسی را به دنبال خواهد داشت - اما نمی توان حضور افکار، بینش های مدرن و رویه های مستقلانه زنان در ارتباط با تحولات تاریخی را نادیده انگاشت.

مشارکت سیاسی

سابقه موضوع مشارکت در عرصه سیاست و علم آن عمری به قدمت تاریخ دارد اما به مفهومی که امروزه کم و بیش متداول است در زندگی جوامع انسانی پدیده ی جدید محسوب می شود. مشارکت سیاسی به لحاظ مفهومی پدیده ای جدید و مختص به دولت های مدرن است؛ هر چند به لحاظ مصداقی نمودهایی از آن را در نظام های کهن گذشته می توان شناسایی کرد (ارسطو، ترجمه عنایت، ۱۳۷۱: ۱۰۵). تعاریف مختلف مشارکت سیاسی بیانگر عدم اجماع نظر در مورد تعاریف، شاخص ها و مولفه های این پدیده است (سجادی، ۱۳۷۹: ۷۳). در واقع این مفهوم پدیده ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است که ارتباط میان جامعه مدنی و جامعه ی سیاسی را عملی می سازد. بنابر تعریفی، شرکت در فرآیند های سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می انجامد و سیاست عمومی را تبیین می کند و یا بر آن اثر می گذارد مشارکت

سیاسی نامیده می شود (ابراکرامبی^{۱۲۰}، ترجمه پویان، ۱۳۶۷: ۲۸۶). مایرون واینر^{۱۲۱} تعریف ذیل را از مشارکت سیاسی ارائه می دهد: مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر، شامل روش های مشروع و نامشروع برای تاثیر بر انتخاب رهبران و سیاست ها و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است. ساموئل هانتینگتون^{۱۲۲} و جان ویلسون^{۱۲۳} در کتاب مشترک خود در تعریف مشارکت سیاسی می نویسند: مشارکت سیاسی، کوشش های شهروندان غیر دولتی برای تاثیر بر سیاست های عمومی است، همچنین میل برات^{۱۲۴} شاخص های عملی را در مورد مشارکت سیاسی ارائه داده است که بررسی کیفیت مشارکت را در جوامع مختلف آسان می کند، از دیدگاه برات مشارکت سیاسی رفتاری است که اثر می گذارد و یا قصد تاثیر گذاری بر نتایج حکومتی را دارد، به اعتقاد او توجه به محرک های سیاسی مانند خواندن و گوش فرا دادن به اخبار سیاسی و شرکت در مباحث سیاسی، رای دادن، مبارزه طبقاتی، اداره امور سیاسی و منصب های حزبی در طیف مشارکت سیاسی قرار می گیرند (مصفا، ۱۳۷۵: ۳۵). از مفهوم مشارکت سیاسی گاهی به منزله وسیله و گاهی به منزله هدف فعالیت های سیاسی استفاده می شود. مهرتراه^{۱۲۵} (۲۰۰۵) مشارکت سیاسی را به حکومت و سیاست های آن محدود نمی کند و معتقد است مشارکت سیاسی حمایت های قانونی و غیرقانونی، شکل گیری مطالبات، بحث های سیاسی و دیگر ارتباطات گفتاری و رسانه ای که به حکومت مربوط است، نیز شامل می شود و در واقع فعالیت های سیاسی که در نهادهای خصوصی انجام می شود را، نیز در بر می گیرد. امروزه مشارکت سیاسی، با ارزشی همواره مثبت در ذهن همگی است که حتی اقتداگراترین حکومت ها نیز ظاهراً نوعی از آن را طلب می کنند تا بر مشروعیت خود بیفزایند. مشارکت سیاسی زنان سبب آزادسازی نیروها و توان های بالقوه و نهفته ی نیمی از جمعیت جامعه شده و میزان مشارکت و نقش آنان را در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بالا برده و زمینه ساز رشد و توسعه و ثبات و عدالت در جامعه می گردد (رحمانی، ۱۳۸۸: ۲۱). مشارکت سیاسی به درک زنان از زندگی اجتماعی کمک کرده است و آنها را به عنوان عناصری موثر در خدمت جامعه در می آورد و به آنها ارزش و نگرش ها و داده های جدید می دهد، مشارکت سیاسی زنان به

¹²⁰ . Abrkramby

¹²¹ . Myron Wiener

¹²² . Samuel Huntington

¹²³ . Jan Vylsvn

¹²⁴ . Mill Brat

¹²⁵ . Mehretra

توسعه جامعه می انجامد (بشیریه، ۱۳۷۲: ۲۱۲). از منظر اسلام، زنان می توانند علاوه بر ایفای نقش همسری و مادری در خانواده در تمامی امور جامعه خویش نیز نقش آفرین باشند. در این دیدگاه یکی از تکالیف زنان همچون مردان اصلاح جامعه است، از جمله مشارکت و فعالیت زنانی که پیش از هجرت پیامبر (ص) به مدینه می توان نام آنها را برد، نسبی و اسماء بودند که به طور مخفیانه برای اسلام و دفاع از جان پیامبر (ص) با پیامبر بیعت کردند که به بیعت عقبه ثابته شهرت یافت (ابن کثیر، ۱۹۳۵: ۱۹۵).

طی دهه های گذشته جامعه زنان تحولاتی را از سر گذرانده است، با افزایش آگاهی و گسترش آموزش عالی، آنان توانمندی های خود را ارتقاء داده اند و دیگر نمی توان زنان را در حاشیه مناسبات سیاسی - اجتماعی نگه داشت (رضوی الهاشم، ۱۳۸۸: ۶۰)، زنانی که احساس دانایی، احترام، امنیت، آزادی و عدالت کمتری دارند بیشتر به مشارکت سیاسی روی می آورند؛ زیرا آنها نهادهای رسمی (دولت) و غیر رسمی (قومیت و خانواده) را برای تحقق آرمان ها و منابع ارزشمند مورد نیاز خود ناتوان می بینند (آل غفور، ۱۳۸۸: ۱۶۵). تاریخ گواه آن است که در انقلاب های اجتماعی بزرگی که در جهان رخ داده است زنان نقش فعالی ایفا نموده اند ولی متأسفانه نقش آنان همیشه حاشیه ای پنداشته می شده است، الپ دو گوژ^{۱۲۶} نویسنده فرانسوی (۱۷۸۹ میلادی) در اعلامیه حقوق زن و شهروند چنین می گوید: همچنان که زنان حق دارند بالای چوبه دار بروند به همین سان نیز حق دارند که بالای سکوی خطابه بروند. مری ولستونکرافت^{۱۲۷} معتقد است که زنان موجوداتی کاملاً عقلانی هستند و تفاوت های موجود میان مرد و زن ثمره فرهنگ، جامعه و نه ذات و طبیعت آن هاست (شاهسون، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

پیشینه مشارکت سیاسی زنان در ایران

اساساً نه تنها در ایران، بلکه در تمامی نقاط جهان، ورود زنان به صحنه سیاست از جلوه های مدرنیته و پدیده ای نوظهور است (نقل از بابایی راد و حاتم پور، ۱۳۸۹: ۳۸). در ایران نیز پیشینه واکنش در برابر وضعیت سنتی زنان به اوائل قرن بیستم و به ویژه جنبش مشروطیت باز می گردد. پیش از مشروطیت، فرهنگ مرد سالارانه جامعه سنتی ایران به زنان مجال فعالیت سیاسی را نمی داد، اما سرانجام در نتیجه ارتباط با اروپا در اواخر قرن نوزدهم عرصه فعالیت و مشارکت سیاسی زنان گسترده تر شد (شاهسون، ۱۳۸۹: ۱۵۸) نخستین حرکت ملی در دوره معاصر پس از شکست ایران از روس، جنبش خودجوش مردم تهران در دفاع از زنان گرجی مسلمان شده بود که سفیر روس به استناد تفسیر قرارداد ترکمن چای قصد جدا کردن آنها از

¹²⁶ . Alympu Dvgvzh

¹²⁷ . Marie Vlsvnkraft

شوهران و فرزندان‌شان را داشت که با تغییر مذهب، آنها را روانه گرجستان کند که زنان تهران تا آخرین دقیق خراب کردن سفارت روس و کشت و کشتار حضور داشتند (بامداد، ۱۳۷۴: ۷). در جنبش تحریم تنباکو نیز زنان به خوبی رشد اجتماعی و دینی خود را به منصف ظهور رساندند و دولت ناچار امتیاز توتون و تنباکو را لغو کرد، زنان ایران در نهضت مشروطیت همچون مردان به حرکت درآمدند به طوری که از این تاریخ، بیداری واقعی زنان آغاز شد (بامداد، ۱۳۷۴: ۱۱). در واقع مشارکت در کل روند نهضت مشروطه، یعنی از آغاز مقدمات آن تا هنگام پیروزی آن و پس از آن در جریان خورده (خودکامگی) و به ویژه قضیه ی اولتیماتوم روسیه به ایران، فصلی کاملاً نو در تاریخچه فعالیت های سیاسی - اجتماعی زنان ایران گشود (حافظیان، ۱۳۸۵: ۵۶)، اگرچه ما قبل از مشروطه وقایعی مانند قحطی یا نارضایتی های ناشی از گرانی رخ داد که تظاهراتی را از سوی زنان با تشویق مردان در پی داشت. آنچه در آن زمان تازه به نظر می رسید حضور زنان در عرصه سیاست و مشارکت سیاسی بود، در اواخر دوران حکومت قاجار، حرکت های اعتراضی عدیدی از سوی زنان ایرانی صورت گرفت به عنوان مثال: تحصنی که در حرم حضرت عبدالعظیم شکل گرفت - که خواست تشکیل عدالت خانه برای نخستین بار مطرح شد - زنان بسیاری حضور داشتند (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۰۸). همچنین مشارکت آنها در تاسیس بانک ملی ایران که بسیاری از آنها زیورآلات و اشیاء گران قیمت خود را فروختند و از دولت سهام خریدند. زنان مبتکر تحریم کالاهای خارجی بودند. آنان در پی آن بودند تا قهوه خانه ها را متقاعد کنند برای کاهش مصرف شکر وارداتی، قهوه خانه ها را تعطیل کنند. انجمنها و سازمان های زنان هم چنین در پی آن برآمده بودند که روسیه و انگلیس را وادار به ترک ایران کنند (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۴۱). زنان در انقلاب مشروطیت فعالانه شرکت داشتند و با تشویق روحانیت، علیه قدرت های خارجی به مبارزه برخاستند. بعدها به ویژه پس از سال ۱۲۸۵ آنان توانستند سازمان های خاص خود را شکل دهند و مستقل تر عمل کنند. اما آنان بخشی از یک جنبش بزرگ ملی بودند که در سطح کشور فعالیت می کرد. در حقیقت جنبش ملی زنان یک "خرده جنبش" بود که با جنبش عمومی همکاری می کرد و هدفش استقلال ایران و اجرای قانون اساسی بود (بشیریه، ۱۳۷۰: ۲۸۹) انقلاب مشروطه دگرگونی بزرگی در سهم زنان در سیاست توده ای فراهم آورد. این پدیده فرصتی برای زنان ایجاد کرد تا مشارکت سیاسی را تجربه کنند و شکل گیری جنبش را برای آنان در ایران، آسانتر سازد. یکی از مسائل بسیار جالب توجه و نوپدید در جریان انقلاب مشروطه تاسیس و گسترش انجمنهای مخفی و نیمه سری زنان بود. فعالیت زنان در این دوران بسیار تفاوت می کرد، در زمان خودکامگی نیز زنان کمیته هایی را تشکیل می دادند که برای خانواده های مشروطه خواهان، پول و جواهرات جمع می کردند (بشیریه، ۱۳۷۰: ۱۲). در آستانه انقلاب مشروطیت هنگام تحصن علما در شاه عبدالعظیم، زنان نه تنها از طریق کمک های مالی بلکه

حتی با قبول خطر جانی به یاری انقلابیون پرداختند. رشد فکری زنان در مسیر مبارزات مشروطه چنان بود که گاه از مردان خانواده پیشی می گرفتند، به طوری که غیاث نظام که یکی از مخالفان سرسخت انقلابیون بود توسط مجاهدین کشته شد و چون او در زمان حیاتش تحت حمایت روس بود، قنسول روس بیرق خود را در بالای خانه ی آنها نصب نمود تا خانواده ی او را تحت حمایت خویش قرار دهد اما همسر شجاع وی بیرق را کنده برای قنسول روس پیغام فرستاد: «شوهر من ظالم بود و او را به سزای اعمالش رساندند، اگر تمام پسرهای مرا بکشید، من زیر حمایت دولت روس در نمی آیم» (رحمانی، ۱۳۸۸: ۶). در مراحل اولیه انقلاب مشروطه، در اواخر دهه ۱۲۷۰ و اوایل دهه ۱۲۸۰، زنان فعال غالباً متأثر از رهبران مذهبی بودند، "شورش نان" نمونه ای از آن بود. تعداد زیادی از زنان به واسطه حمایت روحانیت، برای شرکت در تظاهرات یا سردادن شعارهای ملی- یا هر رفتار دیگری که غیر زنانه تلقی می شد- احساس آزادی می کردند و از طریق انجمنها و سازمانهای مخفی فعالیت های قهرآمیز و غیرقهرآمیزی را علیه قدرت های خارجی و در حمایت از انقلاب مشروطه انجام دادند (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۳۹). زنان دستاوردهای مشروطه را بسیار با ارزش می دانستند، حتی از نثار جان خودابایی نداشتند، به طوری که برخی از آنان با پوشیدن لباس مردانه در صحنه های جنگ وارد شده، مبارزه کردند و کشته شدند. اما روندی را که متمم قانون اساسی عصر مشروطه طی کرد و حق رای را برای زنان قائل نشد، به نوعی در صدد بود از این طریق زنان را از صحنه سیاست خارج کند، که این امر زمینه ی تغییراتی گسترده را در مسیر مشارکت سیاسی زنان ایجاد کرد.

جایگاه زنان در کرسی های سیاسی

با روی کار آمدن حکومت مصدق که بیشتر بر اساس قوانین مشروطه حکومت می کرد زنان به طور عمده به عنوان اعضای احزاب ملی یا چپ مشارکت سیاسی داشتند (کدی، ۱۳۸۵: ۴۰۵) اما بعد از این تاریخ این گونه فعالیتها دچار رکود شده بود که علت اصلی این رکود را در نوع سیاست های حکومت پهلوی به ویژه از سال ۱۳۴۲ به بعد می توان جستجو کرد. بعد از سقوط حکومت ملی دکتر محمد مصدق، محمدرضاشاه پهلوی سعی در همگون سازی سازمان های زنان کرد و چتری سازمانی با حمایت و پشتیبانی حکومت ایجاد کرد. اجازه ندادن به تاسیس احزاب سیاسی مستقل راهی برای جلوگیری از فعالیت گروههای مخالف بود. دوره بین کودتای ۱۳۳۲ و انقلاب اسلامی، دوره جدید در ساختار اجتماعی در حال تغییر ایران بود. یک سری اصلاحات اساسی در سال های ۱۳۴۰ تحت عنوان انقلاب سفید انجام شد که یکی از اصول آن اصلاح قانون انتخابات بود و بر اساس آن به زنان به طور رسمی حق رای داده شد. در پی آن تعدادی به نمایندگی مجلس انتخاب شدند (عبدالحسین، ۱۳۷۲: ۱۴۵). در سال ۱۳۴۲ در میان نمایندگان مجلس شورای ملی از بین ۱۹۷ مرد، ۶ زن بوده اند، در سال ۱۳۵۰ از ۲۷۰

نماینده ۲ نفر زن حضور داشته است. سهم زنان در امور سیاسی در سال ۱۳۵۴، ۱ وزیر زن و ۳ معاون وزیر بود (ملک زاده، ۱۳۷۶: ۱۶۵).

کارنامه زنان در مجالس قانونگذاری دولت پهلوی نشان می‌دهد که نمایندگان زن در مجلس بیشتر حضوری نمادین و صوری داشتند و مصدر فعالیت مستقلی در جامعه آن دوره نشدند. نمایندگان زن دوره پهلوی نیز مانند هم‌تایان مرد خود، وابسته به حاکمیت پهلوی بودند.

زنان، ادبیات و تشکل‌های سیاسی

انقلاب مشروطه تاریخ سرنوشت زن ایرانی را دگرگون کرد و از زیر سلطه خرافات و موهومات، جهل و نادانی و اسارت بیرون آورد و به جامعه راه داد. از آن پس زنان ارزش‌های انسانی و اجتماعی خود را درک کردند (کراچی، ۱۳۷۴: ۹). سیاست‌های محمدرضا پهلوی رویدادهای فراوانی را در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ رقم زد از این رو این دو دهه را از بسیاری جنبه‌ها می‌توان نقطه عطفی در تاریخ سیاسی و فکری ایران دانست، به لحاظ فکری نویسندگان نوآوری که شمار زیادی نیز زن میان آنها دیده می‌شوند ظهور کردند (صدیقی، ۱۳۸۸: ۹۷). گرچه در فرهنگ مردسالارانه، تصویری که از زن ترسیم شده، واقعی نیست ولی با گذشت زمان دگرگونی‌هایی در وضعیت سیاسی-اجتماعی بوجود آمد که ناچار تاخیری غیر قابل انکار بر زنان و نوشتار آنها گذاشت (پور شهرام، ۱۳۸۷: ۹۲).

الف) مشارکت در قالب نظم و نثر

بسیاری از زنان از طریق زبان نظم و نثر و وارد شدن به حیطه فرهنگ سعی در تاثیر گذاری بر سیاست‌گذاری‌ها و بیان چالش‌ها و نابسامانی‌های کشور نمودند البته ناگفته نماند که در این سال‌ها دیدگاه مدرنیستی و رویکرد فمینیسم بر فعالیت سیاسی زنان سایه افکنده بود و چه بسا زنان، دیدگاهی رادیکالی نسبت به حقوق اجتماعی و سیاسی خود بدست آورده بودند و در این راه نیز از مولفه مشارکت در طیف وسیع آن استفاده می‌کردند و همین رویکرد رادیکالی فمینیستی به فعالیت قشر زن، بدینی و شکافی عمیق میان سایر سطوح طبقاتی زنان بوجود آورد که باعث عدم یکپارچگی و همبستگی آنها می‌گردید. بعدها این طرز نگاه به جنبش‌های زنانه شکلی ملایم‌تر، فلسفی و روشنفکرانه‌تر به خود گرفت و زنانی که در این عرصه فعالیت داشتند، سعی کردند تا در کنار مردان جامعه عنصری خلاق، پویا و موثر باشند و شاید برجسته‌ترین فعالیت در این مورد سهم زنانی بود که می‌نوشتند و یا در عرصه‌های دیگر «فرهنگی» فعالیت می‌کردند (قبادی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

ب) تشکل‌ها و انجمن‌های سیاسی-اجتماعی

انقلاب مشروطه که یکی از انقلاب‌های بزرگ جهان به شمار می‌رود، ویژگی‌های گوناگونی در ابعاد مختلف از جمله ادب و فرهنگ داشت. این انقلاب که بر پایه‌ی قانون

خواهی و عدالت طلبی قرار داشت و قصدی جز مبارزه با سلطه ی خارجی و مخالفت یا قدرت مطلقه شاهان نداشت در راه رسیدن به مقصود از شعر و ادبیات کمک فراوان گرفت. برخی زنان دست به انتشار مجلاتی زدند که روح مبارزه جویی و نوع پرستی را در جامعه نسوان زنده کنند، مانند روزنامه زبان زنان، مجله جهان زنان، مجله عالم نسوان و... (معتضد، ۱۳۷۹: ۲۸۹). و بر همین اساس انجمن ها، سازمانها و تشکیلاتی چون جمعیت نسوان وطن خواه، انجمن مخدرات وطن، جمعیت پیک سعادت نسوان و... تاسیس شدند که پرداختن به مسائل و مشکلات زنان و حقوق سیاسی و اجتماعی ضایع شده ایشان از اهداف عمده این تشکیلات تلقی می شد. البته فعالیت زنان در ایران پس از جنبش مشروطیت همان شیوه ای بود که مردان انتخاب کرده بودند: (۱) ایجاد انجمن ها (۲) انتشار روزنامه و مجله (۳) تاسیس مدارس (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۱۳). سقوط دولت مصدق پایان کار سازمان های مستقل زنان بود، شاه ضمن برچیدن انجمن های مستقل زنان در صدد ایجاد سازمان های زنان بر طبق اراده ی خود بر آمد. بر این اساس در سال ۱۳۳۸ توسط اشرف پهلوی انجمن زنان در کشور راه اندازی و شاخه های آن بوسیله حمایت دولتی در کشور گسترش یافت گروههای مستقل زنان بوجود آمده در دهه ۲۰ در این سازمان ادغام شدند، اما از آنجا که این انجمن دولتی بود و همه زنان را در بر نمی گرفت نتوانست در میان توده های مردم رسوخ کند به همین دلیل این انجمن نتوانست تریبون تمامی زنان از طبقات و اقشار مختلف جامعه باشد. بطور کلی می توان زنان فعال در جنبش را در این دوره به دو گروه کلی تقسیم کرد. نخست آنهایی که همراه با حاکمیت به فعالیت خود پرداختند و گروه دیگر کسانی که نسبت به ایدئولوژی حاکم مخالفت نمودند و طرح های دیگری را ارائه دادند. پایداری و اکثش زنان مخالف با ایدئولوژی رسمی نظام را می توان به دو گروه عمده سکولار و مذهبی تقسیم می نمود (پایدار، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

پیکارهای سیاسی زنان

این گونه از مبارزات به طور مشخص با قیامی که در سال ۱۲۷۷ (ه.ش) در جریان قحطی نان تهران پدیدار شده بود، آغاز گشت. اوج مبارزات زنان ایرانی در دوره ناصری در قیام تنباکو مشاهده می شود در آستانه انقلاب مشروطیت هنگام تحصن علما در شاه عبدالعظیم زنان از طریق کمک های مالی به یاری انقلابیون پرداختند و چه بسا در این مسیر برای حفاظت از جان انقلابیون به پیکار با مخالفین اقدام نمودند (رحمانی، ۱۳۸۸: ۶) مهمترین رویدادی که در این دوران روی میدهد تظاهرات زنان و مردان در مشهد در اعتراض به کشف حجاب (۱۳۱۴ ه.ش) می باشد، در اعتراض به کشف حجاب از سوی رضاخان، گروه بسیاری از زنان و مردان در مشهد، تظاهراتی شرکت می کنند که با دخالت پلیس به خشونت کشیده می شود و

در طی آن رویداد، عده بسیاری از زنان به شهادت می‌رسند. این حادثه نشانگر مخالفت زنان با تحمیل شیوه زندگی آنان از بالا و به گونه زورمندانه می‌باشد که نقطه عطف در تاریخ مبارزات زنان می‌باشد (حافظیان، ۱۳۸۵: ۶۵). مشارکت زنان در جریان انقلاب از ابتدای شکل‌گیری حرکت‌های انقلابی شروع شد. میلیون‌ها زن ایرانی از قشرهای مختلف از چار دیواری خانه خود پا به محیط عمومی نهادند. تجربه‌های عملی آنها را می‌توان در اشکال زیر بیان کرد:

- پخش اخبار و توزیع اطلاعیه‌ها
- شرکت در راهپیمائیه‌ها و تظاهرات خیابانی
- کمک به ساختن موانع در سرراه نیروهای انتظامی
- شرکت در مبارزه نظامی و استفاده از سلاح
- فعالیت در جنبش‌های مخفی
- ... (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۲۶).

بین دو الگوی زن مدرن غرب‌گرا و زن سنتی یک قشر بینابینی تشکیل شد که غرب‌گرایی را نمی‌خواست ولی در عین حال تحصیل‌کرده بود و اشتغال داشت. این قشر جدید کاملاً سیاسی بودند، مبارزه علیه زن غرب‌زده بخشی از مبارزه آنان بود این قشر در روند مبارزات به خیل طرفداران انقلاب اسلامی پیوست. در کنار آن بسیاری از زنان تحصیل‌کرده غرب‌گرا که تاثیر استعمار غرب را تجربه کرده بودند نیز جای گرفتند. همه عوامل منجر به سیاسی شدن توده عظیمی از زنان شد که محیط مناسبی را برای شرکت در فرایند انقلاب اسلامی فراهم کرد. زنان ایران مبارزات مستقیم خود را با حضور در تظاهرات آغاز کردند. حضور زنان در طیف گسترده و انبوه در مساجد و شرکت در سخنرانی‌ها نشان‌گر شرکت آنان در فعالیت‌های سیاسی است. این امر به روشنی نشان‌دهنده آن است که زنان به عنوان عضو تکمیل‌کننده در پیروزی انقلاب اسلامی ایران سهم بوده‌اند. ایجاد اعتصاب در بازار از دیگر اقدامات زنان مبارز ایران در روند پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود، زنان در قوت بخشیدن به اعتصاب غذای زندانیان در فروردین سال ۱۳۵۷ نقش اساسی ایفا کردند. ایشان در حمایت از این اعتصاب با به راه انداختن تظاهرات و به دست گرفتن پلاکارد، شکایت خود را از ارتش و نخست‌وزیر وقت اعلام کردند و هم‌چنین حضور گسترده در واقعه ۱۷ شهریور که منجر به شهید شدن ۶۵۰ تن از آنان در میدان شهدا شد (عالمی، ۱۳۸۱: ۷).

به تدریج سیر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران سبب شد ماهیت مبارزات زنان، به دلیل آشنا شدن با مفاهیم وایدئولوژی‌های مختلف و مشخص شدن خط مشی از ساختار و انسجام بیشتری برخوردار گردد. در روند انقلاب اسلامی یکی از عوامل اصلی در پیشبرد نهضت عمومی مخالفت که نهایتاً به فلج شدن رژیم پهلوی انجامید اعتصابات، دست کشیدن از کار و

ترک محل کار بود. این اقدامات موجب از کار افتادن دستگاه اداری حکومت و نظام تولید اقتصادی گردید (فاطمیان، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

نتیجه گیری

تحولات سیاسی و اجتماعی پدیده ای هستند که همواره طیفی وسیع از مقوله فعالیت و مشارکت زنان رادر بر گرفته است. در عصر مشروطه جنبش تنباکو، در عصر پهلوی اول مسجد گوهرشاد و سیاست منع حجاب و در عصر پهلوی دوم، انقلاب اسلامی نقطه عطفی در روند مشارکت سیاسی زنان ایران محسوب می شود.

در دوره پهلوی دوم، سراسیمی در حوزه روند مشارکت سیاسی زنان، تحت تاثیر بسیاری از تحولات چون ملی شدن صنعت نفت، ورود اندیشه ها و ایدئولوژیک های گوناگون به خط مشی مبارزات، انقلاب سفید و حق رای به زنان و ... ایجاد شده بود که به تدریج با نزدیک شدن به دهه های پیروزی انقلاب، مشارکت ها اشکال پیچیده تری را به خود می گرفت. گروه هایی با خط مشی متفاوت از ایدئولوژی اسلامی چون دیدگاه های فمینیستی، ملی گرایی و... روند مبارزات را تغییر می دادند اما از آنجا که این رویکرد ها با فرهنگ و ساختار سنتی و مذهبی جامعه سازگاری نداشت، جهت اصلی انقلاب و خط مشی نیروی مبارز را تعیین نمی کرد. زنان به عنوان عنصری موثر توانستند در حساس ترین تحولات سیاسی و اجتماعی، نقش ایفا کرده و از ابتدائی ترین ابزار و سلاح مبارزه (حجاب) در جهت تاثیرگذاری بر سیاستگذاری های کشور استفاده کنند و سهم بسزایی را در پیشبرد اهداف انقلابی به خود اختصاص دادند. بدست آوردن کرسی های سیاسی در جهت تاثیرگذاری بر خط مشی سیاست های دولت، انعکاس کاستی ها و کژی های جامعه در آثار شاعران و نویسندگان، حضور زنان با پوشش اسلامی در صحنه های انقلاب و مبارزات نظامی، نشان گر توانایی و درایت آنان برای حضور در عرصه سیاست است. با اتخاذ حجاب، اولین گام های زنان ایران در ورود به مبارزات انقلابی برداشته شد و در واقع این امر نفی نظریه ی «حجاب مانعی برای زن» را نشان می داد. برای نتیجه آنچه را که به عنوان یک اصل در ساختار یک جامعه توسعه یافته می توان مورد تحلیل قرار داد، میزان حضور و مشارکت سیاسی - اجتماعی نیروهای مختلف در حوزه های گوناگون است. به سختی می توان بیان داشت که جامعه ایران طی محدوده تاریخی مورد بحث، پذیرای فعالیت و حضور گسترده زن در عرصه جامعه و سیاست بوده و چه بسا همواره به چالش کشیده شده است اما آن میزان از مشارکت نیز با توجه به همان محدودیت ها قابل سنجش و بررسی می باشد. این مسئله نشان می دهد که چنانچه حوزه وسیع تری از مشارکت سیاسی به این قشر از جامعه اختصاص داده شود توانایی و قابلیت تاثیرگذاری و تعیین کننده بر تحولات سیاسی - اجتماعی ایران خواهد داشت.

منابع

- آل غفور، محمد تقی، کاشف الغطاء، فاطمه (۱۳۸۸) تاثیر شرایط اجتماعی اقتصادی بر مشارکت سیاسی زنان در ایران، فصلنامه علمی ترویجی بانوان شیعه، سال ششم، شماره بیستم.
- ابرکرامی، نیکلاس، استفان، هیل، بریان، ترنر (۱۳۶۷) فرهنگ جامعه شناسی، مترجم: حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.
- احمدی، پگاه (۱۳۸۴) شعر زن از آغاز تا امروز، تهران: انتشارات چشمه، چاپ اول
- ارسطو، سیاست، مترجم حمید عنایت (۱۳۷۱) تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- بابایی راد، بیتا، حاتم پور، شبنم (۱۳۸۹) زن و تحولات سیاسی از قرن ۷ تا پایان دوره پهلوی، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال دوم، شماره ششم، ص ۵۳-۳۷.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۷۴) زن ایرانی از مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران: ابن سینا.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۰) جامعه شناسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشرنی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۲) مشارکت سیاسی زنان، مجموعه مقالات درسمینار مشارکت زنان، تهران امور اجتماعی، استانداری تهران.
- پایدار، پروین (۱۳۷۹) زنان در فرآیند سیاسی ایران در قرن بیستم، مترجم: شهرام زرندار، تهران: جامعه ایرانیان.
- پورشهرام، سوسن (۱۳۸۷) پژوهشی نودر شعر فروغ فرخزاد، فصلنامه تخصصی بهار ادب، تهران: سال اول، شماره دوم، زمستان.
- حافظیان، محمد حسین (۱۳۸۰) زنان و انقلاب: داستان ناگفته ها، تهران: اندیشه برتر.
- رحمانی، فاطمه (۱۳۸۸) بررسی جایگاه زنان زندانی سیاسی عصر پهلوی.
- رضوی الهاشم، بهزاد (۱۳۸۸) تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علوم اجتماعی دانشکده علامه طباطبایی، شماره بیست و یکم.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۷۹) مبانی فقهی مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال دوم، شماره هشتم..
- ساناساریان، الیزا (۱۳۸۴) جنبش حقوق زنان در ایران، ترجمه: نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
- شاهسون، پریچهر (۱۳۸۹) بررسی مقایسه ای مشارکت زنان، فصلنامه سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۴ - ۱۶۳.

- صدیقی، علیرضا (۱۳۸۸) بوم گرایی و تاثیر آن بر ادبیات داستانی معاصر ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰، فصلنامه علمی- پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، شماره پانزدهم.
- عالمی، خدیجه (۱۳۸۱) فصلنامه شمیم یاس، شماره یازدهم.
- عبدالحسین، ناهید (۱۳۷۲) نقش زنان در توسعه، تهران: انتشارات روشنفکران.
- قبادی، حسینعلی، آقاگل زاده، فردوس، دسپ، سید علی (۱۳۸۸) تحلیل گفتمان غالب داستان سووشون سیمین دانشور، فصلنامه نقد ادبی، دانشگاه تربیت مدرس، سال دوم، شماره ششم.
- کدی، نیکی (۱۳۸۵) نتایج انقلاب ایران، ترجمه: مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- کراچی، روح انگیز (۱۳۷۴) اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه، تهران دانشگاه الزهراء، چاپ اول.
- گلدستون، جک (۱۳۸۷) مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب ها، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر، چاپ دوم.
- مصفا، نسرین (۱۳۷۵) مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: وزارت خارجه.
- معتضد، خسرو (۱۳۷۹) کسری. نیلوفر، سیاست و حرمسرا، تهران: انتشارات علمی، جلد اول.
- ملک زاده، اکبر (۱۳۷۶) بررسی مکتب فمینیسم، فصلنامه تحقیقات فرهنگی وزارت و ارشاد، شماره ششم.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۳۵) جلد سوم، الناشر مکتبه المعارف البیروت اسماعیل بن عمر بن کثیر القریشی ابوالفداء.
- Mehretra, apama. (2005). gender and legislation in america and Caribbean, Journal American Political Science Review.